

## تبیین جامعه‌شناختی مدیریت بدن در بین بانوان ورزشکار

نیر رستمی\*

مدرس دانشگاه پیام نور

فیروز راد

استادیار، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور

### چکیده

در پژوهش حاضر، با بهره‌گیری از نظریه‌های فوکو، گافمن، وبر و برخی از فمینیست‌ها، به تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مرتبط با مدیریت بدن پرداخته شده است. جامعه آماری تحقیق را زنان و دختران شهر تبریز تشکیل داده‌اند که در زمان اجرای تحقیق، عضو باشگاه‌های بدنسازی این شهر بودند. با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای توأم با تصادفی ساده، تعداد ۳۷۷ نفر انتخاب و اطلاعات مورد نیاز از طریق پرسش‌نامه محقق ساخته جمع‌آوری شده است. براساس نتایج بدست آمده، میانگین مدیریت بدن در افراد مورد مطالعه، ۸۹ (حداقل نمره ۴۶ و حداکثر نمره ۱۳۴) برآورد شده است. براین اساس، میزان مدیریت بدن در ۸۰٪ پاسخگویان، متوسط به بالاست. نتایج حاصل از تحلیل‌های دو متغیره نیز حاکی از این است که میزان مدیریت بدن برحسب برخی متغیرهای زمینه‌ای همچون سن، وضعیت تأهل، تحصیلات، وضعیت شغلی و درآمد پاسخگویان متفاوت است. همچنین بین متغیرهای نقش‌پذیری جنسیتی و دینداری با مدیریت بدن، رابطه معکوس و بین متغیر احساس فشار هنجاری و مدیریت بدن، رابطه مستقیم و معنی‌دار برقرار است. براساس تحلیل مسیر، متغیرهای دینداری و احساس فشار هنجاری، هم به‌طور مستقیم و هم از طریق تحت تأثیر قرار دادن متغیر نقش‌پذیری جنسیتی، بر میزان مدیریت بدن تأثیر گذاشته‌اند. این متغیرها در مجموع قادرند ۳۵/۲ درصد از تغییرات مدیریت بدن را پیش‌بینی کنند.

\*نویسنده مسئول [rostamy200@gmail.com](mailto:rostamy200@gmail.com)

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۲۴

تاریخ ارسال: ۱۳۹۶/۱۰/۱۴

DOI: 10.22051/JWSPS.2019.18761.1640

### واژگان کلیدی

جامعه‌شناسی بدن، مدیریت بدن، فشار هنجاری، نقش‌پذیری جنسیتی

### مقدمه و بیان مسئله

بدن، یک هستی زیست‌شناختی و روان‌شناختی نیست، بلکه پدیده‌ای است که به صورت اجتماعی ساخته و پرداخته می‌شود (کریگر و اسمیت<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴). در هر جامعه‌ای بدن انسان یک واقعیت جسمانی و یک واقعیت اجتماعی دارد. شکل، اندازه، پوشاک و زینت بدن انسان، وسیله‌ای برای ارتباط و انتقال اطلاعات به دیگر اعضای جامعه است. بنابراین، بدن، یک فرهنگ است و موضوعات اساسی درون آن فرهنگ را به نمایش می‌گذارد (فرانک<sup>۲</sup>، ۱۹۹۰). جذابیت جسمانی از جمله موضوعاتی است که در دوران مدرن، استانداردهای جدیدی پیدا کرده و از عوامل شکل‌دهنده‌ی روابط افراد محسوب می‌شود. به طوری که مدیریت بدن در دوران مدرن، اهمیت بسزایی پیدا کرده و در شرایط کنونی به‌ویژه با تحولات جهانی شدن، مورد توجه و اهتمام جدی است (فاضلی، ۱۳۸۲). در دوران معاصر با توجه به شکل گرفتن برداشت‌های تازه از زیبایی در رویکردی کلی، زیبایی امری دنیوی در برابر قدسی، جزئی در برابر کلی و ظاهری در برابر باطنی قلمداد شده و در قالب مؤلفه‌هایی همچون تناسب اندام و آرایش تعریف می‌شود (سایننت<sup>۳</sup>، ۱۹۹۰). در کشور ما، ایران، نیز با ورود به دنیای مدرن، بدن‌ها فرم سستی خود را از دست داده‌اند. خروج بدن از چارچوب نگاه طبیعت‌گرایانه و قرار گرفتن در چارچوب فناوری، ارزش‌ها و نگرش‌های مدرن، سبب شده که بدن ایرانی در دنیای جدید با تبدیل شدن به امری خودآگاه، با مسائل گوناگون مواجه شود (فاضلی، ۱۳۹۳) لذا در دوران جدید، به دنبال تغییرات اجتماعی و فرهنگی عمومی، بدن نیز از حالت صرف جسمانی و بیولوژیکی خارج شده و زیبایی و اصلاح فرم فیزیکی بدن، به منزله امر اکتسابی تلقی می‌شود و کسب زیبایی در صورت فقدان، بر عهده خود فرد گذاشته شده است.

1 .Krieger & Smitt

2 .Frank

3 . Synnott



بدون تردید، تمایل و گرایش به مدیریت بدن در بین زنان، به سبب فشارهای هنجاری و نگاه شیء‌گونه به بدن در نظام سرمایه‌داری و اشاعه فرهنگ مصرفی به وسیله رسانه‌هاست. بدین ترتیب، بدن و نگرانی نسبت به آن به یکی از مهمترین دغدغه‌ها و دل‌مشغولی‌ها در زندگی دختران و زنان تبدیل شده‌است. زیرا آنچه دختران و زنان می‌شنوند و آنچه تماشا می‌کنند، به‌طور فزاینده‌ای تأکید بیشتر بر اهمیت ظاهر را نشان می‌دهد (فروست<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳). در ایران نیز، در چند دهه اخیر، تناسب اندام، به‌مثابه یکی از معیارهای زیبایی، توجه دختران و زنان را سخت به خود جلب کرده‌است و اقدام برای رعایت رژیم غذایی لاغری، جهت دستیابی به تناسب اندام به دغدغه برخی از دختران و زنان ایرانی تبدیل شده‌است (احمدنیا، ۱۳۸۵) و آن‌ها را به سوی انجام جراحی‌های زیبایی، تاتو، لایپوساکش و رعایت رژیم‌های غذایی سختگیرانه بدون نظارت پزشک، سوق داده‌است (جانگ و لی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹). از این‌روست که ابراز حساسیت بیش از حد در مورد بدن و ظاهر آن، بیشتر منجر به بروز مشکلاتی نظیر بی‌نظمی در تغذیه، کاهش اعتماد به نفس، لاغری، آسیب‌های بدنی و غیره شده‌است (کیوان‌آرا و دیگران، ۱۳۸۹). به نظر می‌رسد در بسیاری از جوامع، زنان در مقایسه با مردان، نسبت به وضعیت زیبایی و ظاهر خود و آنچه به چشم می‌آید، دقت نظر بیشتری دارند و حساسیت و توجه بیشتری نشان می‌دهند. از این‌رو، در جهان کنونی، مدیریت بدن به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های پرشور انسان مدرن تبدیل شده‌است و اشاعه ایدئولوژی‌های جنسیتی حاکم بر جوامع امروز نیز باعث شده این نگرانی در قشر زنان بیشتر از مردان باشد. اگرچه پژوهش‌های فراوانی در زمینه مدیریت بدن انجام گرفته، ولی مطالعه چندانی در خصوص عوامل اجتماعی مرتبط با گرایش به مدیریت بدن در بین زنان ورزشکار در شهر تبریز صورت نگرفته‌است. از طرفی مطالعه‌ای که مدیریت بدن را براساس متغیرهای مستقل احساس فشار هنجاری و نقش‌پذیری جنسیتی مورد بررسی قرار دهد، به چشم نمی‌خورد. لذا مطالعه حاضر بر آن است

---

1 . Frost

2 . Jung & Lee

تا به واکاوی عوامل مرتبط با مدیریت بدن در بین زنان ورزشکار عضو باشگاه‌های شهر تبریز بپردازد و با دیدگاه جامعه‌شناختی آن‌ها را مورد تحلیل قرار دهد.

### پیشینه تجربی و چشم‌انداز نظری

یافته‌های پژوهش فاتحی و اخلاصی (۱۳۸۷) با عنوان "مدیریت بدن و رابطه آن با پذیرش اجتماعی بدن" در میان زنان شهر شیراز نشان داد بین متغیرهای مصرف رسانه‌ای، پذیرش اجتماعی و پایگاه اقتصادی - اجتماعی با مدیریت بدن رابطه مستقیم و بین متغیرهای دینداری و مدیریت بدن، رابطه معکوس و معنادار وجود دارد.

"عوامل اجتماعی مؤثر بر انجام جراحی‌های زیبایی در زنان تهران" عنوان تحقیقی است که نوغانی و همکاران (۱۳۸۹) انجام داده‌اند. براساس نتایج حاصله، متغیرهای سرمایه فرهنگی، فشار هنجاری و پایگاه اجتماعی - اقتصادی با احتمال انجام جراحی زیبایی رابطه مثبت و معنادار دارند.

رضایی و همکاران (۱۳۸۹) در مطالعه‌ای با عنوان "مدیریت بدن و ارتباط آن با عوامل اجتماعی"، در میان دانشجویان دختر دانشگاه مازندران نشان دادند که متغیرهای مصرف‌گرایی، فشار اجتماعی و مصرف رسانه، روی هم رفته توانایی تبیین ۸۶٪ از تغییرات واریانس متغیر وابسته را دارند.

همچنین، نتایج مطالعه آزاد ارمکی و چاوشیان (۱۳۸۱) با عنوان "بدن به مثابه رسانه هویت" حاکی از این است که متغیرهای جنسیت، سن، تحصیلات، سرمایه فرهنگی، دینداری و نگرش سنتی با سطوح مختلف مدیریت بدن رابطه معنادار دارند.

سفیری و همکاران (۱۳۹۲) با "بررسی جامعه‌شناختی مقایسه مدیریت بدن بین زنان و مردان" در شیراز به این نتیجه رسیده‌اند که میانگین اعتماد به نفس، توجه به عوامل ذهنی و فشارهای اجتماعی بین زنان و مردان، متفاوت و این متغیرها بر مدیریت بدن زنان و مردان تأثیرگذار بودند.



"تناسب اندام و رابطه آن با عوامل اجتماعی و روانی زنان شهر اصفهان" عنوان مطالعه دیگری است که حقیقتیان و همکاران (۱۳۹۱)، انجام داده‌اند. براساس نتایج، متغیرهای تصور فرد از نگاه مردان، تمایل به مطلوب بودن از نگاه دیگران و میزان تحصیلات همسر روی هم رفته ۲۴٪ از واریانس گرایش به تناسب اندام را تبیین می‌کند.

همچنین رستگار خالد و باقریان (۱۳۹۲) در تحقیقی با عنوان "بدن و ارزش‌ها: اهمیت باریک اندامی در میان زنان و دختران و رابطه آن با جهت‌گیری ارزشی آنها" به این نتیجه رسیده بودند که بین اهمیت باریک اندامی افراد در دو بعد مادی و فرامادی رابطه وجود داشته، که در این بین، متغیرهای پذیرش اجتماعی و عزت نفس رابطه قوی‌تری نسبت به سایر متغیرها با مدیریت بدن داشتند.

یافته‌های مطالعه احمدی و همکاران (۱۳۹۵)، با عنوان "تبیین جامعه‌شناختی مدیریت بدن و ارتباط آن با عوامل اجتماعی و فرهنگی در میان زنان شهر تبریز" نشان داد که میان متغیرهای پذیرش اجتماعی، فشارهای اجتماعی، سرمایه فرهنگی، وضعیت شغلی، تأهل، طبقه اجتماعی و استفاده از رسانه‌های جمعی خارجی با مدیریت بدن، رابطه مستقیم و میان متغیرهای دینداری و استفاده از رسانه‌های جمعی داخلی با مدیریت بدن رابطه معکوس برقرار است.

صادقی فسائی و همکاران (۱۳۹۶)، با "مطالعه جامعه‌شناختی مدیریت بدن و ارزش سرمایه جنسی در بین زنان دهه ۶۰ شهر همدان" به این نتیجه رسیده‌بودند که میانگین میزان مدیریت بدن در بین زنان مورد مطالعه بیشتر بوده و متغیر سرمایه جنسی بر مدیریت بدن تأثیرگذار بوده‌است.

همچنین نتایج پژوهش آدامز - یانگ (۲۰۰۸)، با عنوان "عوامل مؤثر بر بازنمایی تصور از بدن در میان زنان سیاهپوست مسلمان" نشان داد که مواردی از قبیل انتظارات اجتماعی، زمینه‌های خانوادگی، هنجارها و ارزش‌های فرهنگی، عقاید مذهبی و جنسیت از عوامل مهم در تصور بدنی زنان سیاه پوست محسوب می‌شوند.

آدلمن<sup>۱</sup> (۲۰۰۸) در مطالعه‌ای با عنوان "بدن جسمانی، ساختار فرهنگی و نمادین" به این نتیجه رسیده بود که این سه مفهوم جدا از هم نیستند و باید در پس زمینه مسائلی از قبیل طبقه، نژاد، جنسیت و گرایش جنسی فهم شوند.

ریست<sup>۲</sup> (۲۰۱۰) در مطالعه خود به بررسی "نگرش مردان و زنان نروژی درباره ایده‌آل‌های بدنی و اعمال بدنی" پرداخته بود. براساس نتایج بدست آمده، هماهنگی کاملی بین نظر مردم و آنچه که مجله‌ها از بدن‌های ایده‌آل ارائه می‌دهند، وجود دارد. همچنین، افراد ورزشکار، توصیفی بسیار دقیق‌تر از غیر ورزشکاران در رابطه با بدن مطلوب، ارائه دادند.

نتایج پژوهش سوامی و همکارانش<sup>۳</sup> (۲۰۱۰) مبین تفاوت معنادار بین ایده‌آل‌های زیبایی و نارضایتی بدنی در بین مناطق گوناگون بود. متغیرهای سن، شاخص توده بدنی و استفاده از رسانه‌های غربی، قادر به پیش‌بینی تغییرات واریانس متغیر ایده‌آل‌های وزن بدن بودند.

نتایج تحقیقات داخلی و خارجی، حاکی از روند رو به گسترش گرایش زنان به مدیریت بدن است. در این مطالعات، گرایش به جراحی‌های زیبایی، انواع رژیم‌های لاغری اعم از دارویی، غذایی و ورزش برای رسیدن به تناسب اندام و لاغری با عوامل مرتبط مورد بررسی قرار گرفته‌اند و تقریباً عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تبیین‌کننده مدیریت بدن در اکثر مطالعات پیشین شناسایی شده‌اند. اما تحقیق حاضر درصدد آن است تا علاوه بر بررسی رابطه متغیرهای مستقل دینداری، نقش‌پذیری جنسیتی و احساس فشار هنجاری با مدیریت بدن، رابطه این متغیرها را هم مورد مطالعه قرار داده و مسیرهای تأثیرگذاری متغیرهای مستقل بر متغیر مدیریت بدن (وابسته) را نیز نشان دهد.

امروزه بدن به‌عنوان یکی از مهمترین پدیده‌های اجتماعی در حوزه علوم اجتماعی و انسانی محل بحث و بررسی است و آراء و اندیشه‌ها و نظریه‌های زیادی درباره این مفهوم شکل گرفته‌است. چارچوب نظری تحقیق حاضر از دیدگاه‌های جامعه‌شناختی فوکو، گافمن، وبر و برخی نظریه‌پردازان فمینیست نشأت گرفته است.

- 
- 1 . Adelman
  - 2 . Rysst
  - 3 . Swami et al



میشل فوکو یکی از معروف‌ترین صاحب‌نظرانی است که در نوشته‌ها و کتاب‌های خود درباره پزشکی، زندان و جنسیت، به مقوله "بدن" توجه خاص نموده‌است. او بدن را به‌عنوان ابژه قدرت و دانش مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد و آن را همچون فرآورده قدرت و دانش می‌پندارد و ساخته و پرداخته اجتماع می‌انگارد (ذکایی و فرزانه، ۱۳۸۸). در نگاه فوکو، بدن مستقیماً درگیر حوزه سیاسی است و افراد می‌توانند در بدن‌های خود دستکاری کنند، و آن را به اطاعت وادارند که این خود منبعث از گفتمان‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است (فوکو، ۱۳۸۸: ۱۷۰).

نظریه‌پرداز دیگری که بدن را مورد توجه جدی قرار داده، جامعه‌شناس کانادایی تبار، اروینگ گافمن است. بحث گافمن از بدن با سه ایده اصلی شروع می‌شود:

۱. بدن، دارایی مادی افراد است، دارایی‌ای که افراد به منظور انجام تعامل، آن را کنترل کرده و نمایش می‌دهند.
۲. افراد، بدن‌هایشان را براساس فرهنگ لغات زبان بدنی مشترک، نمایش داده و مدیریت می‌کنند.
۳. بدن، واسطه روابط بین هویت شخصی و هویت اجتماعی است (شیلینگ<sup>۱</sup>، ۱۹۹۳).  
گافمن با رویکرد نمایشی خود، نقش‌های اجتماعی و موقعیت‌های اجتماعی را تنها نمایش‌هایی می‌بیند که در زندگی روزمره اجرا شده و معنا پیدا می‌کند (جنکینز، ۱۳۸۱). به نظر او خود در رویارویی‌های عمومی نامعلوم است و مشارکت کنندگان باید از آن مراقبت نمایند و جنبه‌ای از خود را که مطلوب و مقبول دیگران است، به نمایش بگذارند (کراسلی، ۱۹۹۵). لذا گافمن با طرح نظریه "مدیریت تأثیرگذاری" این‌طور استدلال می‌کند که افراد می‌خواهند در کنش متقابل، جنبه‌ای از خود را نمایش دهند که مورد پسند دیگران و جامعه است (ریتزر، ۱۳۷۵).

«رویکردهای فمینیستی و نحله‌های گوناگون آن، کانون توجه خود را متوجه ارزش‌های مردانه، جامعه‌مردسالار، فرهنگ مصرفی و بازنمایی‌های کلیشه‌ای از جنسیت می‌دانند» (ذکایی،

۱۳۸۶: ۱۲۴). از نظر فمینیست‌های لیبرال، در جراحی زیبایی، زنان به واسطه‌ی انتخاب‌های فردی در مقابل فشارهای فرهنگی پدرسالارانه، مقاومت بهتری می‌کنند. لیبرال‌ها از عاملیت افرادی که به جراحی زیبایی روی می‌آورند سخن به میان آورده و آن را نشانه‌ای از کنترل بر خود و استقلال و انتخاب فردی می‌دانند (افشارکهن و بلالی، ۱۳۸۹).

طرفداران فمینیسم رادیکال، زنان را قربانیان روابط قدرت زن ستیزانه بین دو جنس می‌دانند که نتیجه آن ریشه‌دار شدن تنفر از بدن در میان زنان است (آشرا، به نقل از فراست، ۲۰۰۰). جریان فمینیسم سوسیال نیز متأثر از فمینیسم رادیکال است که در این رویکرد، مقصر اصلی بیگانگی از بدن، نظام مصرفی سرمایه‌داری غربی معرفی می‌شود که ترویج‌کننده نارضایتی زنان از بدن خویش است. البته این شرایط بالقوه متوجه زنان و مردان است، با این حال به واسطه فشار بیشتر بر زنان، باید آن را جنسیتی دانست (ذکایی، ۱۳۸۶).

نظرات جودیت باتلر، بدیع‌ترین و قانع‌کننده‌ترین نظرات در فمینیسم پسامدرن است. فمینیست‌های پسامدرن، پیش فرض اصلی جنبش زنان را شدیداً به چالش کشیدند: اینکه «زن» بر جوهر یا هویت مشترکی دلالت دارد که مبنای ضروری‌اش، دانش و سیاست فمینیستی را تشکیل می‌دهد (سیدمن، ۱۳۸۶). براین اساس، «نظریه‌های فمینیستی بخشی از یک رشته پژوهش درباره زنان است که به‌طور ضمنی، یا رسمی، نظام فکری گسترده و عامی را درباره ویژگی‌های بنیادی زندگی اجتماعی و تجربه انسانی از چشم‌انداز یک زن، ارائه می‌کند» (ریتزر، ۱۳۷۵: ۴۶).

اما در خصوص مصرف و سبک زندگی، وبر نیز به‌عنوان یک اندیشمند به سهم خود تلاش می‌کند به این مسئله بپردازد که چگونه تأثیر هنجارها و ارزش‌های فرهنگی بر کنش‌های افراد، مهم و اساسی ارزیابی می‌شود. «او توجه محققان را به برداشتی خاص از دین جلب می‌کند که منجر به نوعی مصرف پارسامنشانه شده است. وی معتقد است شیوه زندگی زهدگرایانه و مصرف پارسامنشانه، مهمترین عامل انباشت سرمایه و ظهور سرمایه‌داری بوده است، و در ردیابی عوامل، به پیوریتانیسم<sup>۱</sup> به‌ویژه در شکل کالوینی<sup>۱</sup> آن اشاره می‌کند»



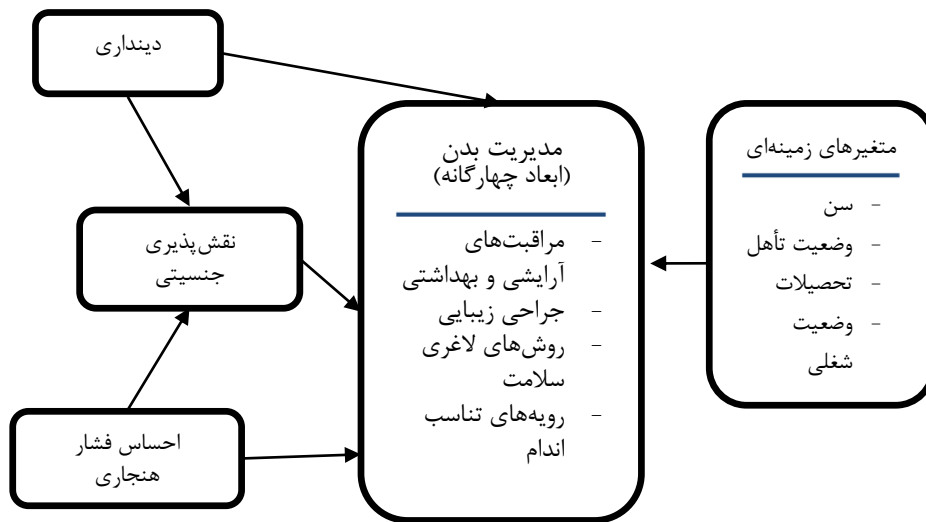


باکاک<sup>۲</sup>، (۱۳۸۱: ۱۶). وبر نوعی رهیافت اساساً روان‌شناختی را مطرح می‌کند که دربرگیرنده هر دو مبنای عقلی و عاطفی است و ارتباط تنگاتنگی با عوامل اجتماعی دارد. (همیلتون<sup>۳</sup>، ۱۳۸۹). براساس مدل وبر، تعامل تمایلات و منابع، کنش و یا به تعبیری انتخاب‌های فرد یا جمع را پدید می‌آورد. مبنی بر این رویکرد، وبر سعی می‌کند خصوصیات رفتاری و شرایط بومی هر ملتی را با توجه به آموزه‌های دینی ایشان تبیین نماید (وبر، ۱۳۸۲). ازطرف دیگر، گیدنز با استفاده از مفاهیمی چون بازاندیشی، به تغییر در ذائقه و سبک‌های زندگی مردم اشاره می‌کند. از نظر گیدنز بین سبک زندگی (مذهبی، فراغتی، مصرفی، و...)، و هویت فرد رابطه وجود دارد. در نظر گیدنز این سبک زندگی افراد است که تعیین می‌کند کدام رفتار را در چه موقعیتی انجام دهند و خود را به جهان پیرامونش معرفی کنند (گینز و بوریمر<sup>۴</sup>، ۱۳۸۱).

درنگاه فوکو، بدن به شدت درگیر حوزه سیاسی شده و نهادهای مختلف اجتماعی و سیاسی با اعمال سلطه بر بدن، باعث شده‌اند تا زنان بالاجبار به دستکاری در شکل و فرم بدن خود پردازند. به زعم فوکو، در گفتمان‌های حاکم بر جهان امروزی، هنجارها و ارزش‌ها، شکل جدیدی به خود گرفته‌اند. لذا، زنان وقتی در موقعیت‌های اجتماعی بالاتر، مورد پذیرش واقع خواهند شد که مطابق هنجارها و عرف‌های مورد پسند جامعه امروزی رفتار کنند. ازطرفی گافمن از بدن به عنوان سرمایه مادی و دارایی، همچنین واسطه بین هویت شخصی و هویت اجتماعی نام برده که افراد به منظور انجام تعامل، آن را کنترل کرده و نمایش می‌دهند. به نظر گافمن، جامعه پسند شدن و کسب ارزش احترام در جامعه می‌تواند در گرایش زنان به انجام عمل‌های زیبایی مؤثر باشد (احساس فشار هنجاری). از نظر فمینیست‌ها، زنان قربانیان شرایط و اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی هستند و احساس نیاز به زیبایی در زنان، نمایی از کلیشه‌های جنسیتی را توصیف می‌کنند (نقش‌پذیری جنسیتی). از نظر آنان، زنان در مقابل فشارهای فرهنگی و هنجاری حاکم بر جامعه، دست به انتخاب‌های فردی زده و با مدیریت

- 
- 1 . Calvin
  - 2 . Buckcock
  - 3 . Hamilton
  - 4 . Gybynz & Bvrymr

بدن خود نشانه‌ای از کنترل بر خود و استقلال فردی را به نمایش می‌گذارند. همچنین، بر اساس مدل وبر و گیدنز، تعامل تمایلات و منابع (سبک زندگی)، کنش و یا به تعبیری انتخاب‌های فرد یا جمع را پدید می‌آورد (دینداری). با این تفصیل، براساس چارچوب نظری و مطالعات پیشین، می‌توان مدل تحلیلی زیر را که ناظر بر روابط بین متغیرهای تحقیق است، ترسیم نمود.



نمودار ۱: مدل تحلیلی

### روش تحقیق

تحقیق حاضر با استفاده از روش پیمایش از نوع همبستگی انجام گرفته است. جامعه آماری، مشتمل بر زنانی<sup>۱</sup> است که در زمان اجرای تحقیق، عضو باشگاه‌های بدنسازی (تناسب اندام) شهر تبریز بوده‌اند. براساس فرمول کوکران حجم نمونه نهایی ۳۷۷ نفر برآورد شده است. با

<sup>۱</sup> طبق آمار اعلام شده از سوی سازمان ورزش و امور جوانان شهر تبریز (۱۳۹۳)، تعداد بانوان فعال در باشگاه‌ها ۲۵۰۷۶ نفر بود.



به‌کارگیری نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای توأم با تصادفی ساده، افراد مورد مطالعه انتخاب و اطلاعات مورد نیاز با بهره‌گیری از تکنیک پرسشنامه محقق‌ساخته جمع‌آوری شده‌است. اعتبار<sup>۱</sup> و پایایی<sup>۲</sup>: در تحقیق حاضر برای تعیین اعتبار پرسشنامه از روش اعتبار صوری (اجماع نظر متخصصان) و اعتبار سازه<sup>۳</sup> استفاده شده‌است. در مورد سنجش پایایی مقیاس‌ها نیز ذیلاً در مبحث تعاریف متغیرها، توضیحات لازم داده می‌شود.

### تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

**مدیریت بدن:** مدیریت بدن به معنای نظارت و تغییر مستمر ویژگی‌های ظاهری و مرئی بدن است (آزاد و چاوشیان، ۱۳۸۱). این مفهوم دارای ابعاد و مؤلفه‌های گوناگونی است که برای دسته‌بندی گویه‌های مربوط به هر یک از ابعاد، از روش تحلیل عاملی<sup>۴</sup> استفاده شده‌است و برای به‌حداقل رساندن تعداد گویه‌هایی که روی یک عامل بار می‌شوند، از چرخش واریماکس<sup>۵</sup> بهره گرفته‌ایم. مطابق با خروجی تحلیل عاملی (جدول ۱)، چهار عامل اساسی سازه مدیریت بدن، به شرح زیر است:

عامل اول، دارای ۷ گویه است. براساس ضریب عاملی که نشان‌دهنده اهمیت هر یک از گویه‌ها در تشکیل ابعاد مورد نظر است، گویه آرایش صورت با بیشترین ضریب عاملی (۰/۸۰۲) سهم مهم‌تری در تشکیل این بُعد داشته‌است. عامل دوم از ۴ گویه تشکیل شده‌است و گویه ضرورت جراحی برای جوان‌تر و زیباتر شدن، با بیشترین ضریب عاملی (۰/۸۲۲) اهمیت زیادی در تشکیل این بُعد داشته‌است. بُعد روش‌های لاغری سلامت به‌عنوان سومین عامل است که با گویه‌های استفاده از رژیم لاغری، استفاده از سونای خشک، ورزش‌های هوازی، ورزش زیبایی اندام و استفاده از داروهای لاغری مشخص شده‌است.

- 
1. Validity
  2. Reliability
  3. Construct Validity
  4. Factor Analysis
  5. Varimax Rotation

براساس ضرایب عاملی برآورد شده برای این گویه‌ها، گویه استفاده از داروهای لاغری با ضریب عاملی ۰/۵۰۰ و گویه استفاده از سونای خشک، جکوزی و شنا با ضریب عاملی ۰/۷۷۷، به ترتیب کمترین و بیشترین سهم را در تشکیل بُعد روش‌های لاغری سلامت داشته‌اند. چهارمین عامل تشکیل‌دهنده مدیریت بدن، بُعد رویه‌های تناسب اندام است که دارای ۴ گویه است. در این میان، گویه تمایل به داشتن تناسب اندام با ضریب ۰/۷۸۰، مهم‌ترین گویه در تشکیل این بُعد محسوب می‌شود.

مقدار  $KMO^1 = 0/815$  نشان دهنده بالا بودن کفایت نمونه است و براساس مقدار بارتلت  $Bts^2 = 7140/40$  و سطح معنی‌داری می‌توان گفت که تفکیک عامل‌ها به درستی انجام گرفته است. همچنین جهت سنجش پایایی مقیاس‌ها، از آلفای کرونباخ استفاده شده است. ضرایب برآورد شده برای هرکدام از متغیرها، نشان می‌دهد که گویه‌های تشکیل دهنده متغیرهای مدیریت بدن (۰/۹۳۲)، دینداری (۰/۹۶۷)، احساس فشار هنجاری (۰/۹۲۰) و نقش‌پذیری جنسیتی (۰/۷۸۰)، از همبستگی درونی بالایی برخوردار هستند.

#### جدول ۱: نتایج تحلیل عاملی گویه‌های مدیریت بدن و تحلیل پایایی متغیرهای تحقیق

گویه‌ها	بار عاملی	پراکنش	مقادیر	آلفای
		تیین شده	ویژه	کرونباخ
	عامل اول	عامل دوم	عامل سوم	عامل چهارم
استفاده از عطر، ادکلن	۰/۷۲۶			
و دئودورانت				
			۲۹/۶۸۸	۰/۸۷۹
			۶/۲۳۵	

1. Kaiser- Meyer- Olkin Measure Of Sampling
2. Bartlett's Test of Sphericity



			۰/۸۰۲	آرایش صورت
			۰/۷۱۵	اپیلاسیون بدن
			۰/۶۶۵	استحمام روزانه
			۰/۵۷۰	استفاده از انواع کرم‌ها
			۰/۷۳۱	استفاده از ناخن‌های بلند لاک‌دار
			۰/۷۲۵	آرایش مو(های لایت، مش، رنگ مو)
			۰/۷۱۴	لنزگذاری رنگی چشم
۰/۸۹۷	۴/۳۷۳	۲۰/۸۲۲	۰/۸۲۲	ضرورت جراحی برای جوان‌تر شدن
			۰/۸۳۵	جراحی برای زیباتر شدن
			۰/۵۶۵	ظاهر جسمانی زیباتر به وسیله‌ی جراحی
			۰/۷۶۷	استفاده از رژیم لاغری
			۰/۷۷۷	استفاده از سونای خشک، جکوزی و شنا
۰/۷۹۷	۳/۲۶۲	۱۵/۵۳۱	۰/۶۶۵	ورزش‌های هوازی
			۰/۵۸۹	ورزش بدنسازی(زیبایی اندام)
			۰/۵۰۰	استفاده از داروهای لاغری

				۰/۷۱۶	پیااده روی
				۰/۶۲۷	کنترل وزن بدن
۰/۹۲۶	۱/۳۰۷	۶/۲۲۵	۰/۷۸۰		داشتن تناسب اندام
			۰/۷۱۸		آراستگی ظاهری و جذابیت
			۰/۷۴۲		اندازه قد و قامت

$KMO = 0/898$ ,  $sig = 0/000$ ,  $df = 210$ ,  $Bts = 7140/40$ ,  $\alpha = 0/932$

**دینداری:** برای سنجش متغیر دینداری، مدل‌ها و مقیاس‌های متعددی مطرح نظر است که یکی از این مدل‌ها، مدل گلاک و استارک<sup>۱</sup> است. گلاک و استارک معتقدند که به‌رغم تفاوت ادیان، وجوه مشترکی بین آن‌ها می‌توان یافت که ابعاد اصلی دینداری را تشکیل می‌دهند. این ابعاد عبارت اند از: اعتقادات و باورهای دینی، تجارب یا عواطف دینی، مناسک و اعمال دینی مشخص و پیامدهای ناظر بر اثرات باورها، اعمال و تجارب دینی (سراج‌زاده، ۱۳۸۰). در تحقیق حاضر نیز از پنج بُعد مورد اشاره گلاک و استارک، برای سنجش متغیر دینداری استفاده شده است. در بُعد اعتقادی: اعتقاد به وجود خداوند، فرشته و شیطان، اعتقاد به حقیقت قرآن، عدالت خواهی با ظهور امام زمان (عج)، اعتقاد به معاد و قیامت، در بُعد مناسکی: شرکت در اعیاد و عزاداری‌های مذهبی، زیارت اماکن مذهبی، نماز جمعه و نماز جماعت، روزه واجب، رفتن به مسجد، خواندن قرآن، احسان و صدقه دادن، در بعد تجربی: توجه و شناخت، اعتقاد یا ایمان و

1 . Glack & Starck



ترس، در بُعد فکری: احوالات درونی، همبستگی اجتماعی و مهرورزی و بُعد پیامدی: نحوه برخورد با خرید و فروش مشروبات الکلی، نحوه پرداخت مالیات، قاطعیت در مبارزه با بدحجابی، حضور زنان در ورزشگاه‌ها و غیره را در نظر گرفته‌ایم که در قالب گویه‌هایی با طیف لیکرت تنظیم گشته‌اند و دامنه پاسخ‌ها نیز با گزینه‌های "همیشه، اغلب اوقات، معمولاً، گاهی اوقات، بندرت و هرگز" مشخص شده‌اند.

**احساس فشار هنجاری:** برای انسان‌ها مهم است که دیگران درباره آن‌ها چگونه فکر می‌کنند. در اینجا دیگران به دو دسته تقسیم می‌شوند. اول، دیگران مهم، یعنی افراد مهمی که نظرات و ارزیابی آن‌ها از ما برایمان مهم باشد و دوم، بقیه مردم و این که چگونه درباره ما فکر می‌کنند. بنابراین، انسان‌ها تحت شرایطی، در خود احساس اجبار یا میل به پیروی از برخی هنجارها را دارند، این حالت را نیرو یا فشار هنجاری می‌نامند (رفیع‌پور، ۱۳۸۲). در پژوهش حاضر این متغیر با ۹ گویه و آلفای کرونباخ ۰/۹۲۰ مورد سنجش قرار گرفته‌است. خوش‌اندام بودن به‌عنوان معیار انتخاب همسر برای آقایان، اهمیت دادن آقایان به تناسب اندام همسرانشان، توجه دیگران به اندام ظریف، کسب موفقیت بانوان در برخی از مشاغل همچون فروشنده‌گی با داشتن اندام ظریف و خوش‌فرم، توجه کارفرمایان به زیبایی و جذابیت زنان هنگام استخدام، خوش‌اندام بودن به‌مثابه هویت زنان، افزایش احتمال موفقیت زنان دارای اندام ترکه‌ای و لاغر در جامعه و غیره، گویه‌هایی هستند که با طیف لیکرت تنظیم شده‌اند و پاسخگویان با انتخاب یکی از گزینه‌ها (از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف) به این گویه‌ها اعلام نظر می‌کنند.

**نقش‌پذیری جنسیتی:** همه جوامع از اعضای خود، در مورد رفتارها، نگرش‌ها، هنجارها و ارزش‌ها انتظاراتی دارند. انتظارات پیرامون تفاوت‌های مربوط به جنس باعث می‌شود که افراد برحسب جنسیت خود، نقش‌هایی را ایفاء کنند که به آن نقش

جنسیتی گفته می‌شود (کلی و برن، ۱۹۹۲). بنابراین، نقش‌پذیری جنسیتی به معنای برداشت و دیدگاه فرد به نقش خود است که با عنوان زن یا مرد در جامعه ظاهر می‌شود. این متغیر با پاسخگویی افراد مورد مطالعه به گویه‌هایی همچون لزوم برابری حقوق و مسئولیت‌های مردان و زنان، وظیفه‌خانه‌داری زنان، اطاعت زن از مرد، عدم توانایی زنان در کسب جایگاه‌های شغلی موفق، تصمیم‌گیری مردان در امور خانواده، عدم توانایی زنان برای حضور در صحنه سیاست، ناتوانی زنان در انجام فعالیت‌های اجتماعی و غیره، سنجیده می‌شود. این گویه‌ها نیز در قالب طیف لیکرت تنظیم شده‌اند.

### یافته‌های توصیفی

براساس نتایج بدست آمده، میانگین سنی افراد مورد مطالعه در تحقیق حاضر، ۳۲/۷۰ سال محاسبه شده است. ۲۸٪ از آنها، مجرد و ۷۲٪ متأهل هستند. پاسخگویان، همگی دارای مدارک تحصیلی متوسطه و دیپلم، فوق دیپلم، کارشناسی، کارشناسی ارشد و بالاتر هستند که سه مقطع تحصیلی آخر، با ۷۲/۵٪، بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین ۵۴/۶٪ افراد مورد بررسی شاغل هستند و به لحاظ نوع شغل، ۱۶٪ دارای مشاغل مهارتی، ۴۲/۵٪ مشاغل کارمندی و ۴۱/۵٪ دارای مشاغل تخصصی و مدیریتی هستند. میانگین میزان درآمد افراد مورد مطالعه، ۱/۵۸۰/۰۰۰ تومان محاسبه شده است که براساس تقسیم‌بندی صورت گرفته در سه سطح درآمدی کم، متوسط و زیاد، ۷۲/۷ درصدشان در طبقه درآمدی سطح متوسط به بالا قرار گرفته‌اند.

جدول ۲: توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب متغیرهای تحقیق

متغیرها	حداقل	حداکثر	انحراف استاندارد	میانگین	ضعیف	متوسط	قوی
مدیریت بدن	۴۶	۱۳۴	۲۰/۰۴	۸۸/۸۷	۲۷/۶	۴۹/۳	۲۳/۱
دینداری	۳۳	۱۴۰	۲۴/۸۲	۹۲/۲۸	۱۳/۸	۵۱/۲	۳۵/۰





۴/۸	۶۴/۲	۳۱	۶۱/۱۴	۷/۷۹	۸۰	۳۵	نقش‌پذیری جنسیتی
۱۶/۲	۵۳/۱	۳۰/۸	۳۹/۲۱	۸/۵۲	۶۵	۲۲	احساس فشار هنجاری

گرایش به مدیریت بدن به‌عنوان متغیر وابسته، دارای چهار بُعد آرایشی، جراحی، روش‌های لاغری سلامت و رویه‌های تناسب اندام است. طبق طبقه‌بندی افراد مورد بررسی در سه سطح ضعیف، متوسط و قوی، میزان مدیریت بدن در نزدیک به ۸۰٪ پاسخگویان متوسط به سمت بالاست. میانگین برآورد شده برای متغیر دینداری، ۹۲/۲۸ است که نشان‌دهنده میزان دینداری بیشتر، در افراد مورد مطالعه است. همچنین میانگین محاسبه شده برای متغیر نقش‌پذیری جنسیتی ۶۱/۱۴ است. براساس اطلاعات مندرج در جدول ۲، میزان نقش‌پذیری جنسیتی در ۳۱٪ بانوان پاسخگو کمتر، در ۶۴/۲٪ متوسط و در ۴/۸٪ بیشتر است. براساس کمترین و بیشترین نمره مشاهده شده برای متغیر احساس فشار هنجاری، میانگین برآورد شده برای این متغیر ۳۹/۲۱ است. براساس طبقه‌بندی انجام گرفته، نزدیک به ۷۰٪ پاسخگویان، فشارهای هنجاری موجود در جامعه را که در رابطه با بدن وجود دارد، بیشتر احساس می‌کنند.

### یافته‌های استنباطی

تحلیل دو متغیره رابطه بین متغیر وابسته با متغیرهای زمینه‌ای: به‌منظور شناخت رابطه مدیریت بدن با برخی متغیرهای زمینه‌ای همچون سن، وضعیت تأهل، وضعیت شغلی، تحصیلات و درآمد از آزمون‌های آماری متناسب با سطوح سنجش متغیرها استفاده شده است. جدول شماره ۳، نمایی کلی از نتایج آزمون T-test و F را نشان می‌دهد. براساس تحلیل واریانس یک‌طرفه، میانگین مدیریت بدن و تمامی ابعاد آن برحسب سن افراد متفاوت است. به‌طوری‌که گرایش به مدیریت بدن در گروه‌های سنی پایین در مقایسه با گروه‌های سنی بالا، بیشتر است و افرادی که در دامنه سنی ۲۰-۳۰ سال قرار گرفته‌اند، نسبت به دیگر گروه‌های سنی، گرایش بیشتری به مدیریت بدن خود دارند. همچنین، نتایج آزمون T-test (جدول ۳) نشان می‌دهد که میانگین

مدیریت بدن در افراد مجرد (۹۷/۵۴) در مقایسه با متأهلین (۸۵/۵۳) بیشتر است. این تفاوت در تمامی ابعاد متغیر مدیریت بدن با ۲-۵ نمره اختلاف قابل توجه است. براساس نتایج آزمون، هرچند رابطه معنی داری بین وضعیت شغلی و مدیریت بدن وجود ندارد؛ ولی در ابعاد مراقبت‌های آرایشی و بهداشتی و جراحی زیبایی، این رابطه معنی دار است. میانگین برآورد شده برای این ابعاد برحسب وضعیت شغلی نشان می‌دهد که میزان گرایش به مراقبت‌های آرایش و بهداشتی و همچنین جراحی زیبایی در زنان خانه‌دار (۲۶/۷۷، ۲۵/۴۸) بیشتر از زنان شاغل (۲۰/۵۷، ۱۸/۱۶) است. به بیان دیگر، میزان اهمیت استفاده از انواع عطر و ادکلن، آرایش صورت، اپیلاسیون، استفاده از ناخن‌های بلند، لنزگذاری رنگی و ضرورت جراحی در بین زنان خانه‌دار بیشتر از زنان متأهل است. براساس نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه ( $F=6/67$ )، رابطه بین تحصیلات و مدیریت بدن معنی دار است. میانگین برآورد شده برای مدیریت بدن و ابعاد مختلف آن برحسب سطح تحصیلات پاسخگویان، نشان می‌دهد که افراد دارای تحصیلات فوق دیپلم و کارشناسی<sup>۱</sup>، در مقایسه با سطوح تحصیلی دیگر، گرایش بیشتری به مدیریت بدن دارند. به‌کارگیری رویه‌های تناسب اندام جهت آراستگی ظاهری و جذابیت، قد و قامت، کنترل وزن و داشتن تناسب اندام، در افراد متعلق به مقاطع تحصیلی مختلف به یک اندازه اهمیت دارد و تفاوت زیادی در میانگین این بُعد از مدیریت بدن در بین طبقات مختلف وجود ندارد. غیر از وضعیت شغلی و تحصیلات، میزان درآمد افراد هم بر میزان گرایش آن‌ها به مدیریت بدن می‌افزاید. براساس نتایج آزمون ( $F=4/98$ )، افرادی که در گروه‌های درآمدی متوسط و بالا قرار گرفته‌اند در مقایسه با هم‌تایان خود که در گروه‌های درآمدی پایین هستند، گرایش بیشتری به مدیریت بدن خود دارند. نکته مهم اینکه، به‌کارگیری رویه‌های تناسب اندام در گروه‌های درآمدی مختلف تقریباً یکسان است و تفاوت چندانی از لحاظ اهمیت دادن به آراستگی ظاهری و جذابیت، اندازه قد و قامت و داشتن تناسب اندام بین آن‌ها وجود ندارد.

جدول ۳: نتایج توصیفی و تحلیل آزمون رابطه مدیریت بدن و ابعاد آن با متغیرهای زمینه‌ای  
 \*\*\* مقدار معنی‌داری در سطح ۰/۰۰۰، \*\* مقدار معنی‌داری در سطح ۰/۰۰۱ و ۰/۰۱، \* مقدار معنی‌داری در سطح ۰/۰۵ و <sup>ns</sup> فقدان رابطه معنی‌دار

متغیرهای		سن	وضعیت تاهل	وضعیت شغلی	تحصیلات	درآمد
مراقبت‌های آرایشی و بهداشتی	میانگین	۲۸/۹۰	۲۹/۱۲	۲۴/۸۹	۲۶/۷۷	۲۵/۴۸
	کمیت	F = ۹/۹۸***	T = ۶/۱۴**	T = ۱/۹۹*	F = ۷/۰۷*	F = ۳/۰۵*
جراحی زیبایی	میانگین	۲۲/۸۲	۲۴/۰۵	۲۱/۵۲	۲۰/۵۷	۱۸/۱۶
	کمیت	F = ۲۳/۸۱**	T = ۴/۱۱*	T = ۲/۶۲**	F = ۵/۴۱**	F = ۳/۰۵*

۲۴/۰۰	۲۲/۲۵	۲۰/۸۲	۲۲/۷۸	۲۲/۶۵	۲۰/۲۷	۲۲/۲۸	۲۲/۱۵	۲۱/۵۲	۲۴/۰۵	۱۹/۲۵	۲۱/۳۴	۲۴/۰۲	میانگین	روش‌های لاغری
		$F=۶/۲۹^{**}$			$F=۶/۷۱^{**}$		$T=-/۲۳۶^{NS}$					$F=۲۹/۴۸^{**}$	کمیت	سلامت
۲۱/۴۱	۲۱/۲۲	۲۰/۹۹	۲۱/۲۵	۲۱/۵۶	۲۰/۵۸	۲۱/۵۵	۲۱/۰۳	۲۱/۰۴	۲۲/۰۲	۱۹/۶۲	۲۱/۱۴	۲۲/۰۱	میانگین	رویه‌های تناسب
		$F=۰/۳۴۱^{NS}$		$F=۲/۱۳^{NS}$		$F=-۱/۳۹^{NS}$		$T=۲/۴۱^*$				$F=۲۹/۴۸^{**}$	کمیت	اندام
۲۴	۷۹	۱۶۹	۷۱	۲۳۴	۷۲	۲۰۶	۱۷۱	۲۷۲	۱۰۵	۵۱	۱۶۲	۱۶۴	تعداد	مدیریت
۹۳/۶۶	۸۸/۲۰	۸۶/۱۲	۸۶/۶۱	۹۱/۵۸	۸۲/۲۹	۸۷/۴۹	۹۰/۵۴	۸۵/۵۳	۹۷/۵۴	۷۳/۸۰	۸۴/۶۰	۹۷/۷۷	میانگین	بدن
		$F=۴/۹۸^{**}$		$F=۶/۶۷^*$		$T=۱/۴۲^{NS}$		$T=۵/۴۰^*$				$F=۴۱/۶۳^*$	کمیت	



همبستگی پیرسون بین متغیر وابسته با متغیرهای اصلی: براساس نتایج بدست آمده از آزمون همبستگی، بین متغیرهای مدیریت بدن با متغیرهای دینداری، نقش‌پذیری جنسیتی و احساس فشار هنجاری همبستگی وجود دارد. نتایج آزمون پیرسون به تفصیل در جدول شماره ۴ منعکس است.

براساس ضریب همبستگی پیرسون ( $r = -0/314$ ) و سطح معنی‌داری ( $\text{Sig} = 0/000$ )، رابطه بین متغیرهای دینداری و مدیریت بدن و ابعاد چهارگانه آن منفی و با شدت متوسط برقرار است. به عبارتی، با افزایش میزان دینداری از میزان مدیریت بدن کاسته می‌شود.

مطابق جدول ۴، ضریب همبستگی بین مدیریت بدن و نقش‌پذیری جنسیتی برابر با  $r = -0/306$  است و شدت همبستگی بالا و جهتش منفی ارزیابی شده است. به عبارتی، زنانی که دارای نقش‌پذیری جنسیتی کمتر هستند، اهمیت مدیریت بدن نزد آنان بیشتر است. این رابطه با تمامی ابعاد مدیریت بدن معنی‌دار است.

مسئله نوع نگرش افراد تحت تأثیر برخی عوامل تغییر می‌یابند. دینداری و احساس فشار هنجاری دو متغیری هستند که متغیر نقش‌پذیری جنسیتی را تحت تأثیر قرار داده‌اند. براساس ضریب همبستگی پیرسون  $r = 0/249$ ، رابطه بین متغیر دینداری و نقش‌پذیری جنسیتی مستقیم و با شدت متوسط و رابطه بین متغیرهای احساس فشار هنجاری و نقش‌پذیری جنسیتی معکوس و بالا است. ( $r = -0/413$ )

همچنین، ضریب همبستگی متغیر احساس فشار هنجاری با مدیریت بدن برابر با  $r = 0/478$  است که نشان دهنده رابطه معنادار و مثبت و با شدت بالاست. به بیان دیگر، با افزایش میزان احساس فشار هنجاری بر میزان مدیریت بدن افزوده می‌شود. براساس ضرایب پیرسون بدست آمده، رابطه ابعاد مراقبت‌های آرایشی و بهداشتی و جراحی زیبایی با متغیر احساس فشار هنجاری ( $0/436$  و  $0/422$ ) در سطح بالا و روش‌ها لاغری سلامت و گرایش به تناسب اندام با متغیر احساس فشار هنجاری ( $0/398$  و  $0/289$ ) در سطح متوسط برقرار است.

## جدول ۴: نتایج آزمون همبستگی بین متغیرهای تحقیق

\* مقدار معنی‌داری تمامی روابط در سطح ۰/۰۰۰

متغیرها	دینداری	احساس فشار هنجاری	نقش‌پذیری جنسیتی
مدیریت بدن	۰/۳۱۴*	۰/۴۷۸	-۰/۳۰۶
مراقبت‌های بهداشتی و آرایشی	-۰/۲۸۸	۰/۴۳۶	-۰/۲۷۷
جراحی زیبایی	-۰/۲۶۵	۰/۴۲۲	-۰/۲۲۲
روش‌های سلامت لاغری	-۰/۳۲۵	۰/۳۹۸	-۰/۲۹۶
رویه‌های تناسب اندام	-۰/۲۴۸	۰/۲۸۹	-۰/۳۰۳
نقش‌پذیری جنسیتی	۰/۲۴۹	-۰/۴۱۳	-

**تحلیل رگرسیون:** در این مرحله به منظور بررسی تأثیر همزمان متغیرهای مستقل و تنظیم معادله پیش‌بینی، از تحلیل رگرسیون چند متغیره به شیوه گام به گام استفاده شده است. براساس نتایج رگرسیون (جدول ۵)، متغیر احساس فشار هنجاری در مرحله اول، دینداری در مرحله دوم و نقش‌پذیری جنسیتی در مرحله سوم وارد مدل رگرسیون شده‌اند. براساس ضرایب بتا، متغیر احساس فشار هنجاری با ضریب بتای ۰/۳۱۲ رابطه مستقیم، نقش‌پذیری جنسیتی با ضریب بتای ۰/۱۰۶- و دینداری با ضریب بتای ۰/۲۴۵- رابطه معکوس را با متغیر مدیریت بدن نشان می‌دهند. در مجموع این سه متغیر توانسته‌اند ۳۵/۲٪ از تغییرات متغیر مدیریت بدن را پیش‌بینی کنند.

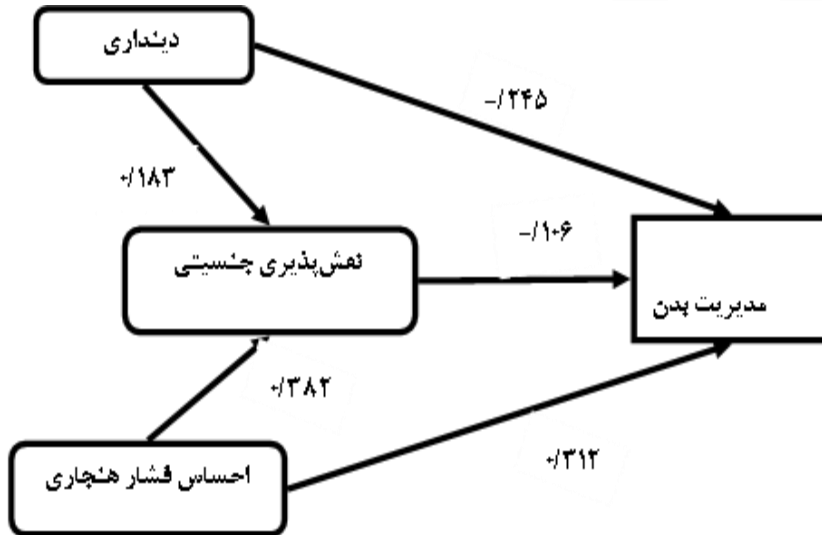


جدول ۵: نتایج تحلیل رگرسیون متغیرهای مستقل بر متغیر مدیریت بدن

\* مقدار معنی داری در سطح ۰/۰۵ و بقیه روابط در سطح ۰/۰۰۱

مدل ۳		مدل ۲		مدل ۱		متغیرهای پیش‌بین
$\beta$	B	$\beta$	B	$\beta$	B	
-	۱۵/۳۰	-	۱۸/۹۸	-	۱۲/۸۸	مقدار ثابت
۰/۳۱۲	۰/۱۸۷	۰/۳۵۲	۰/۲۱۱	۰/۳۹۸	۰/۲۳۸	احساس فشار هنجاری
-۰/۲۴۵	-۰/۰۵۰	-۰/۲۶۵	-۰/۰۵۴			دینداری
-۰/۱۰۶*	۰/۰۷۰					نقش‌پذیری جنسیتی
۰/۶۵۰		۰/۵۴۵		۰/۴۷۸		ضریب همبستگی (R)
۰/۳۵۵		۰/۲۹۷		۰/۲۲۸		ضریب تعیین (R <sup>2</sup> )
۰/۳۵۲		۰/۲۹۳		۰/۲۲۶		R <sup>2</sup> تصحیح شده
۳۸/۲۴۲		۵۴/۶۷۶		۷۰/۵۴۷		ضریب F

به‌منظور برآزش مدل تحلیلی از مدل تحلیل مسیر استفاده شده‌است. بدین منظور، رگرسیون دیگری با در نظر گرفتن متغیر نقش‌پذیری جنسیتی به‌عنوان متغیر وابسته و دو متغیر احساس فشار هنجاری و دینداری به‌عنوان متغیرهای مستقل اعمال شد. نتایج بدست آمده از دو رگرسیون انجام گرفته در نمودار ذیل قابل مشاهده است.



نمودار ۲: مدل تحلیل مسیر

براساس تحلیل مسیر، متغیرهای دینداری و احساس فشار هنجاری، هم به‌طور مستقیم و هم از طریق تحت تأثیر قرار دادن متغیر نقش‌پذیری جنسیتی، بر میزان مدیریت بدن تأثیر گذاشته‌اند. با محاسبه ضرایب مسیرهای متعدد، متغیر احساس فشار هنجاری با اثر کلی  $۰/۳۵۲$ ، متغیر دینداری با  $-۰/۲۴۵$  و نقش‌پذیری جنسیتی با اثر مستقیم و کلی  $-۰/۱۰۶$ ، به ترتیب قویترین تا ضعیف‌ترین متغیرهای مؤثر بر مدیریت بدن شناخته شده‌اند.

### بحث و نتیجه‌گیری

طی سال‌های اخیر و با توجه به تحولات جهانی، بدن از حالت صرفاً فیزیولوژیک خارج شده و ماهیت اجتماعی پیدا کرده‌است. به عبارت دیگر، فرهنگ بدن تصویری از جامعه و تحولات اجتماعی و فرهنگی ایجاد شده در جامعه را نشان می‌دهد. براین اساس، بدن و بدنی شدن<sup>۱</sup> نیز





همچون سایر پدیده‌های اجتماعی و انسانی به موضوعی محوری در مطالعات اجتماعی جوامع معاصر تبدیل شده‌است. این پژوهش درصدد است تا به تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مرتبط با مدیریت بدن در میان زنان بپردازد.

براساس نتایج آزمون پیرسون، بین متغیرهای دینداری و مدیریت بدن و ابعاد چهارگانه آن رابطه معکوس با شدت متوسط برقرار است. به عبارتی، متغیر دینداری تأثیر کاهنده‌ای بر مدیریت بدن دارد. در تحلیل چندمتغیره هم این متغیر با تحت تأثیر قرار دادن متغیر نقش‌پذیری جنسیتی بر میزان مدیریت بدن تأثیرگذار است. نتایج حاصل از مطالعه حاضر با نتایج برخی از مطالعات داخلی همچون: ارمکی و چاوشیان (۱۳۸۱)، فاتحی و اخلاصی (۱۳۸۷)، آدامز - یانگ (۲۰۰۸)، احمدی و همکاران (۱۳۹۵) همسو است. این نتیجه را می‌توان با نظریه گیدنز و وبر تبیین کرد. از نظر گیدنز، این سبک زندگی فرد است که تعیین می‌کند کدام رفتار و انتخاب را در چه موقعیتی انجام دهد. در این میان، بدن ابزاری است که محتوای اساسی قرائن و نشانه‌هایی را که ارتباطات روزمره ما مشروط به آنهاست، آشکارا بیان می‌کند. امروزه دیگر باورها و اعتقادات دینی با برخی از موقعیت‌های زندگی مدرن سازگاری ندارد. لذا، انسان‌ها با بازاندیشی نقش‌ها و مسئولیت‌های سستی خود در جامعه مدرن در جهت اصلاح آن برآمده‌اند. در این بین، زنان با استناد به پاره‌ای مقولات پیشینی همچون تعلق به حوزه‌های خصوصی، تولیدمثل و بچه‌دار شدن، انجام بدون اجر و مزد مسئولیت‌های درون خانواده، کنش‌ها و رفتارهای خود، از جمله سبک ورزشی و مدیریت بدن خود را جهت‌دار و مرتبط با یک نظام گسترده معنایی بروز می‌دهند.

همچنین نتایج تحلیل‌های دو متغیره و چندمتغیره، بیانگر وجود رابطه معنی‌دار مثبت بین متغیرهای احساس فشار هنجاری و مدیریت بدن است. براین اساس هرچقدر احساس فشار هنجاری در زنان افزایش یابد، احتمال بیشتری دارد که آن‌ها به سوی انجام اعمال جراحی زیبایی، رژیم‌های لاغری، بدنسازی و غیره گرایش یابند. این نتیجه تأییدی بر نظریه فوکو و برخی از فمینیست‌ها در خصوص فشار اجتماعی و هنجاری است. فوکو معتقد است، ساختارهای موجود در جامعه ممکن است بر فرد فشار وارد نموده و عاملیت انسانی را مجبور

به انجام رفتار و فعالیتی کند، که با استانداردهای خاص زیبایی در جامعه منطبق باشد. از طرفی، مسائلی از قبیل گزینش سخت‌گیرانه زنان برای استخدام و فعالیت در محیط‌های کار برحسب ویژگی‌های ظاهری و فیزیکی، سبب می‌شود کسانی که فاقد این نوع مختصات صوری و جسمانی هستند، دچار خود کم‌بینی و ضعف اعتماد به نفس شوند و برای کسب این ویژگی‌ها به مدیریت بدن گرایش یابند. این نتیجه، با نتایج مطالعات نوغانی و همکاران (۱۳۸۹)، رضایی و همکاران (۱۳۸۹)، سفیری و همکاران (۱۳۹۲) و آدامز - یانگ (۲۰۰۸) مطابقت دارد.

بر اساس ضریب پیرسون بین مدیریت بدن و نقش‌پذیری جنسیتی رابطه آماری معنی‌دار با شدت همبستگی بالا و جهت منفی برقرار است. بنابراین، زنانی که دارای نقش‌پذیری جنسیتی کمتر هستند، اهمیت مدیریت بدن نزد آنان بیشتر است. فمینیست‌ها که طرفدار حقوق زنان هستند، معتقدند نظام پدرسالاری همواره در طول تاریخ بر زنان اعمال قدرت نموده‌است و محدود شدن زنان در عرصه‌های اجتماعی نشأت گرفته از فشارهای ساختاری حاکم بر جامعه است. این خط سیر را برخی فمینیست‌ها دنبال کرده‌اند و از فشارهای جامعه بر زنان برای تغییر بدن خود به منظور انطباق با شرایط و درخواست‌های مردسالارانه حاکم بر ساختارها و نهادهای حاکم سخن به میان می‌آورند. آن‌ها چنین استدلال می‌کنند که ورزش بدنسازی، جراحی‌های پلاستیک و رژیم‌های لاغری در پرتو انتخاب‌های فردی زنان صورت می‌گیرد و مقاومت آنان را در برابر نظام فرهنگی پدرسالاری نشان می‌دهد. این نتایج با نتایج مطالعه ریست (۲۰۱۰) و آدلمن (۲۰۰۸) همسو است.

در کل، نتایج برآمده حاکی از آن است که این متغیرها توانایی تبیین ۳۵/۲٪ از تغییرات متغیر مدیریت بدن را دارا بوده و رویکردهای نظری استفاده شده، برای ارائه مدل تحلیلی نظری و تبیین آن مناسب هستند.

#### پیشنهادها:

به دیگر محققانی که علاقه‌مند به پژوهش در زمینه مدیریت بدن هستند، پیشنهاد می‌گردد، به بررسی مطالعاتی با عناوین ذیل بپردازند: ۱) تحلیل جامعه‌شناختی مقایسه مدیریت بدن در بین



زنان ورزشکار و غیر ورزشکار، (۲) تحلیل جامعه‌شناختی مقایسه مدیریت بدن در بین زنان و مردان ورزشکار، (۳) تحلیل جامعه‌شناختی رابطه مدیریت بدن با سایر متغیرهای مهم اجتماعی. همچنین پیشنهاد می‌شود که: (۱) دست‌اندرکاران امور زنان و جوانان با نشر و گسترش فرهنگ دینی سالم و قابل دفاع به ارتقاء سطح دینداری آحاد جامعه کمک نمایند. (۲) مسئولان و دست‌اندرکاران امور تقنینی و اجرایی با تصویب و اجرای قوانین مدنی متناسب با شئون جامعه امروزی، برای تحقق برابری حقوقی زن و مرد تلاش مجدانه کنند. (۳) همچنین لازم است دست‌اندرکاران امور اجرایی، قضایی، انتظامی و امنیتی، در راستای کاهش و یا تعدیل فشارهای هنجاری و اجتماعی بر جوانان و زنان اقدامات مؤثری به عمل آورند.

## منابع

- احمدنیا، شیرین. (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی بدن و بدن زنان. فصلنامه زنان، شماره ۵، ۱-۳۲.
- احمدی، عزت‌الله؛ عدلی‌پور، صمد؛ افشار، سیمین و بنیاد، لیلی. (۱۳۹۵). تبیین جامعه‌شناختی مدیریت بدن و ارتباط آن با عوامل اجتماعی و فرهنگی در میان دختران و زنان شهر تبریز. پژوهشنامه زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۷(۱): ۲۹-۵۰.
- ارمکی، تقی‌آزاد و چاوشیان، حسن. (۱۳۸۱). بدن به مثابه رسانه هویت. مجله جامعه‌شناسی ایران، ۴: ۷۵-۵۷.
- افشارکهن، جواد و بلالی، اسماعیل. (۱۳۸۹). زیبایی و پول: آرایش و جراحی. فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، ۱۲(۴۷): ۹۹-۱۴۰.
- باکاک، رابرت. (۱۳۸۱). مصرف. ترجمه خسرو صبوری، تهران: نشر شیرازه.
- جلالوند، انسیه و توسلی، افسانه. (۱۳۹۴). تاملی بر نقش جنسیت در سبک مدیریت بدن زنان و مردان. سومین کنفرانس ملی جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی، تهران: مؤسسه اطلاع‌رسانی نارکیش.
- جنکینز، ریچارد. (۱۳۸۱). هویت اجتماعی. ترجمه تورج یاراحمدی، تهران: نشر شیرازه.
- حقیقتیان، منصور؛ انصاری، ابراهیم و عسگری، نسرين. (۱۳۹۱). تناسب اندام و رابطه آن با عوامل اجتماعی و روانی در میان زنان شهر اصفهان. مطالعات اجتماعی-روانشناختی زنان، ۱۰(۴): ۱۵۹-۱۷۹.
- ذکایی، محمد سعید و فرزانه، حمیده. (۱۳۸۸). زنان و فرهنگ بدن: زمینه‌های انتخاب جراحی‌های زیبایی در زنان تهران. فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۱۱: ۴۳-۶۰.
- ذکایی، محمد سعید. (۱۳۸۶). جوانان، بدن و فرهنگ تناسب اندام. فصلنامه تحقیقات فرهنگی، ۱(۱): ۱۱۷-۱۴۱.



- رستگار خالد، امیر و باقریان، معصومه (۱۳۹۲). بدن و ارزش‌ها: اهمیت باریک اندامی در میان زنان و دختران و رابطه آن با جهت‌گیری ارزشی آنها. *مطالعات اجتماعی- روانشناختی زنان*، ۱۱(۱): ۷-۵۴.
- رضایی، احمد؛ اینانلو، مینا و فکری، محمد. (۱۳۸۹). مدیریت بدن و عوامل اجتماعی مرتبط با آن. *فصلنامه مطالعات راهبردی زنان*، ۱۲(۴۷): ۱۴۱-۱۷۰.
- رفیع‌پور، فرامرز. (۱۳۷۲). *سنجش گرایش روستاییان نسبت به جهاد سازندگی*. تهران: مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.
- ریتزر، جورج. (۱۳۷۴). *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- سراج‌زاده، سیدحسین و توکلی، مهناز. (۱۳۸۰). بررسی تعریف عملیاتی دینداری در پژوهش‌های اجتماعی. *نامه پژوهش: فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، ۵(۲۰ و ۲۱).
- سفیری، خدیجه؛ سیدمحمد، سیدمیرزایی و آزادی ایگدر، حکیمه. (۱۳۹۲). بررسی جامعه‌شناختی مقایسه مدیریت بدن بین زنان و مردان. *نشریه زن و جامعه (جامعه‌شناسی زنان)*، ۴(۳): ۴۷-۶۲.
- سیدمن، استیون. (۱۳۸۶). *کشاکش آرا در جامعه‌شناسی: نظریه‌های امروز جامعه‌شناسی*. ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- صادقی فسائی، سهیلا؛ فاضل، رضا و رضایی، حسین. (۱۳۹۶). مطالعه جامعه‌شناختی مدیریت بدن و ارزش سرمایه جنسی در بین زنان. *مطالعات اجتماعی- روانشناختی زنان*، ۱۵(۳): ۱۰۲-۱۴۴.
- فاتحی، ابولقاسم و اخلاصی، ابراهیم. (۱۳۸۷). مدیریت بدن و رابطه آن با پذیرش اجتماعی بدن مطالعه موردی زنان شهر شیراز. *مطالعات راهبردی زنان*، ۱۱(۴۱): ۹-۴۲.
- فاضلی، محمد. (۱۳۸۲). *مصرف و سبک زندگی*. قم: انتشارات صبح صادق.
- فاضلی، نعمت‌الله. (۱۳۹۳). *تاریخ فرهنگی ایران مدرن*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

فوکو، میشل. (۱۳۸۸). *مراقبت و تنبیه تولد زندان*، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده. تهران: نشر نی.

کیوان‌آرا، محمود؛ ربانی، رسول و ژیان‌پور، مهدی. (۱۳۸۹). *قشریندی اجتماعی و اصلاح بدن: جراحی زیبایی به مثابه پایگاه اجتماعی*. *مجله مطالعات راهبردی زنان*، ۱۲(۴۷): ۷۳-۹۸.

گیببیز، جان و ریمربو. (۱۳۸۱). *سیاست پست مدرنیته، ترجمه منصور انصاری*. تهران: گام نو.  
نوغانی، محسن؛ خراسانی، محمد مظلوم و ورشوی، سمیه. (۱۳۸۹). *عوامل اجتماعی مؤثر بر انجام جراحی زیبایی زنان*. *مجله مطالعات زنان*، ۸(۴): ۷۵-۱۰۱.

وبر، ماکس. (۱۳۸۲). *اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری*، ترجمه عبدالکریم رشیدیان و پریسا منوچهری کاشانی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

همیلتون، ملکم. (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی دین*، ترجمه محسن ثلاثی. نشر ثالث.

Adelman, M., and Ruggi, L. (2008). The beautiful and the abject: Gender, identity and constructions of the body in contemporary Brazilian culture. *Current Sociology*, 56(4), 555-586.

Afsharkhan, J. and Belali, I. (2010). Beauty and money: arrangement and surgery. *Quarterly Journal of Strategic Studies in Women*, 12(47): 99-140 (Text in Persian).

Ahmadi, E., Adlipour, S. Afshar, S. and Bonyad, L. (2016). Sociological explanation of body management and its relationship with social and cultural factors among girls and women in tabriz city. *Women's Research Center, Research Institute of Humanities and Studies Culture*, 7(1): 29-50 (Text in Persian).

Ahmadinia, S. (2006). Sociology of women's body and body. *Women's Quarterly*, 5: 1-32 (Text in Persian).

Azadarmaki, T. and Chavashian, H. (2002). The body as the identity media. *Journal of Iranian Sociology*, 4: 57-75 (Text in Persian).

Buckock, R. (2002). *Consumption*. Translation by Khosro Sabouri, Tehran: Shirazeh Publishing (Text in Persian).

Shilling, C. (1993). *The body and social theory*. London, Sage.

Crossley, N. (1995). Body techniques, agency and intercorporeality: on Goffman's relations in public. *Sociology*, 29(1): 133-149.

Fatehi, A. and Ekhlasi, E. (2008). Body management and its relationship with social acceptance of the body, the case study of Shiraz women. *Women's Strategic Studies*, 11(41): 9-42 (Text in Persian).

Fazeli, M. (2003) *Consumption and Lifestyle*. Qom: Publications Sobh Sadegh (Text in Persian).



- Fazeli, N. (2014). *Modern Cultural History of Iran*. Tehran: Research institute of humanities and cultural studies (Text in Persian).
- Foucault, M. (1977). *Discipline and punishment: The birth of the prison*. Nico Sarkhosh and Afshin Jahanideh Translation, Tehran: Ney Publishing (Text in Persian).
- Frank, A. W. (1990). Bringing Bodies back in :a decade review theory. *Culture and Society*, 7: 62-131.
- Frost, L. (2000). *Young People and the body*. Hampshire: Palgrave.
- Frost, L. (2003). Doing bodies differently? Gender, youth, appearance and damage. *Journal of Youth Studies*, 6(1): 53-70.
- Gibbins, J. R., and Reimer, B. (1999). *The politics of postmodernity: An introduction to contemporary politics and culture*. Translated by Mansour Ansari, Tehran: Gham-e No (Text in Persian).
- Gottfried, H. (2003). Temp (t) ing bodies: Shaping gender at work in Japan. *Sociology*, 37(2): 257-276.
- Haghighatian, M. Ansari, E. and Asgari, N. (2012), Fitness and its relationship with social and psychological factors among women in Isfahan, *Women's Studies Social and Psychological*, 10( 4): 159-179.
- Hamilton, M. B. (2002). *The Sociology of religion: an introduction to theoretical and comparative perspectives*. translated by Mohsen Solati, Sales Publishing (Text in Persian).
- Jalalvand, E., and Tavassoli, A. (2016). *A substance on the role of gender in the body of men and men management*. Third National Conference on Sociology and Social Sciences, Tehran: Narkis Information Institute (Text in Persian).
- Jenkins, R. (2003). *Social Identity*, Translation by Touraj Yarahmadi, Tehran Shirazeh Publishing (Text in Persian).
- Jung, J., and Seung-Hee, L. (2009). cross-cultural comparisons of appearance self-schema, body image, self-esteem, and dieting behavior between korean and u.s.women. *Family and Consumer Sciences Research Journal*, 34: 350-365.
- Kelly, K., and Byrne. D. (1992). *Exploring Homan Sexuality*. Englewood Cliffs, N.J.: Prentice- Hall.
- Keyvanara, M., Rabbani, R., and Gianpour, M. (2010), Social stratification and body correction: Cosmetic surgery as a social base. *Journal of Strategic Women Studies*, 12( 47):73-98 (Text in Persian).
- Krieger, N., and Davey, S. (2004). Bodies Count and Body Count: Social Epidemiology and Embodying Inequality. *Epidemiologic Reviews*, 26: 92-103
- Noghani, M., Khorasani, M.M., and Varshui, S. (2010). Social factors affecting women's cosmetic surgery. *Journal of Women Studies*, 8( 4):101-75 (Text in Persian).
- Odoms-Young, A. (2008). Factors That Influence Body Image Representations of Black Muslim Women. *Social Science & Medicine*, 66:2573-2584.

- RafiPour, F. (1993). *Measuring the village's attitude toward jihad-e-sazandegi*, Tehran: Research Center for Rural Issues(Text in Persian).
- Rastegar Khalid, A., and Baqerian, M. (2013). Body and values: the importance of narrowed upper organs among women and girls and their relationship with their value orientation. *Women's studies social and Psychological*,11(1):54-7 (Text in Persian).
- Rezaei, A., Inanloo, M., and Fekri, M. (2010). Body management and its related social factors. *Quarterly Journal of Strategic Studies in Women*, 12( 47):141-170 (Text in Persian).
- Ritzer, G. (1988). *Contemporary sociological theory*.Translated by Mohsen Solati, Tehran: Publications Elmi (Text in Persian).
- Rysst, M. (2010). Healthism" and looking good: Body Ideals and Body Practices in Norway.*Scandinavian Journal of Public Health*, 38( 5):71-80.
- Sadeghi Fasaee, S., Fazel, R., and Rezai, H. (2017).the sociological study of body management and the value of female capitalism among women. *Women's Studies Social Psychological*, 15(3):144-101(Text in Persian).
- Safiri, Kh., Mirzaei. M., and Azadi Igdar,H. (2013). Sociological study on comparing body management between men and women. *Women and Society Journal( Women's Sociology)*, 4(3): 62-47(Text in Persian).
- Serajzadeh, H. and Tavakoli, M. (2001) A Study on the definition of religious operations in social research. *Research Letter: Quarterly Journal of Cultural Research*, 5( 20 & 21)(Text in Persian).
- Seidman, S. (2007). *Contested knowledge: Social theory today*.Hadi Jalili Translation, Tehran: Ney Publishing(Text in Persian).
- Swami, Viren et al. (2010). The attractive female body weight and female body dissatisfaction in 26 countries across 10 world regions: results of the international body project I, *Personality and Social Psychology Bulletin*, 36(3): 309-325.
- Synnott, A. (1990). Truth and goodness, mirrors and masks Part II: A sociology of beauty and the face. *The British journal of sociology*, 41(1): 55-76.
- Weber, M. (2003). *The Protestant ethic and the spirit of capitalism*.Translated by Abdolkarim Rashidian and Parisa Manouchehri Kashani, Tehran: Scientific and Cultural Publications(Text in Persian).
- Zokaei, M.S. and Farzaneh, H. (2009) .Women and body culture: the basics of choosing beauty care for women in Tehran. *Quarterly Journal of Iranian Society of Cultural and Communications Studies*, 11: 43-60 (Text in Persian).
- Zokaei, M.S. (2007).Youth, body and fitness culture. *Quarterly Journal of Cultural Research*,1(1): 117-141(Text in Persian).





## *Sociological Explanation of Body Management among Female Athletes*

Nayer Rostami <sup>1\*</sup>  
Firouz Rad<sup>2</sup>

### **Abstract**

In current study, using the theories of Foucault, Gaffman, Weber and other feminists, the sociological analysis of the factors associated with body management has been addressed. The statistical population includes Tabriz women and girls who were members of the city sports clubs, at the time of the research. A randomized, multi-stage cluster sampling method was used to select 377 people and data was collected through a researcher-made questionnaire. Based on the results, mean body management in the samples was 89 and subsequently the rate of body management in the 80% of respondents is moderate to high. The results of bivariate analysis also indicate that body management varies according to some variables such as age, marital status, education, job status, and income. In addition, there is a reverse relationship between both gender roles and religiosity with body management, and direct and significant relationship between the variable of sense of regulatory pressure and body management. Based on the path analysis, the variables of religiosity and the sense of normative pressure, both directly and through influencing the gender roles, have affected the level of body management. Generally, these variables can predict 35.5% of body management changes.

### **Keyword**

Body Sociology, Body Management, Normative Pressure, Gender Role

---

<sup>1</sup> lecturer University pnu.

\* Corresponding Author: [rostamy200@gmail.com](mailto:rostamy200@gmail.com)

<sup>2</sup> Assistant Professor, Department of Social Sciences, Payam Nour University.

Submit Date: 2018/1/4

Accept Date: 2019/2/13

(DOI): 10.22051/JWSPS.2019.18761.1640

